



۲۰۱۸/۰۷/۲۸

ملالی موسی نظام

مختصری در مورد مسافرت ۵۵ سال قبل شاه و ملکه افغانستان به امریکا



واشنگتن دی سی ۱۹۶۳

دیدار شاه از پایتخت ایالات متحده در سپتمبر ۱۹۶۳ با هیجان والایی استقبال گردید، زمانیکه وی با جان اف. کندی در لیموزین ریاست جمهوری از بین جمعیت عبور می نمودند، بیرق های افغانستان شاه را از جانب مردم امریکا صمیمانه استقبال مینمود. شاه و ملکه درین مسافرت هم چنان از مرکز اسلامی، موزیم ملی آرت و قبرستان ملی آرنگتن باز دید نمودند. "ویکی پیدیا"

گرچه افغانستان در گذشته با داشتن موقف خاص بیطرفی و عدم انسلاک با مقایسه با ممالک همسایه مانند پاکستان و ایران، جایگاه متفاوتی داشت و وابستگی ای که ممالک متذکره به انواع مختلفه پیمان های دفاعی و نظرداشت منافع مشترک با ممالک غربی و امریکا داشتند، باید ایجاب قدرمندی و طرز پیش آمد بهتری را در پذیرفتن زعمای آن کشور ها مینمود، ولی با مشاهده ویدیویی از مسافرت سال ۱۹۶۳ اعلیحضرت محمد ظاهر شاه و ملکه حمیرا به امریکا جریان دیگری را متوجه می شویم. هر باری با مشاهده آن ویدیوی با ارزش که گوشه ای از یک دوره و مقطع تاریخ درخشان یک افغانستان غیر منسلک، آزاد و با صلح و سلم را تداعی می نماید، به یاد شعر پر بار مرحوم عبد الرحمن پژواک می افتم که با حسرت و افسوس می فرمایند:

یاد ایامی که ما هم آسمانی داشتیم مهر و ماهی داشتیم و اخترانی داشتیم

البته روابط کشورها و ایجاب پالیسی مهمان نوازی و پذیرایی رسمی که جزئی از پروتوکول های حساب شده هر مملکت بوده و سیاست روزی با تغییرات مناسبات فی مابین میتواند حتی عندالموقع از اوج به حضيض هم تنزل نماید، ولی با مشاهده این ویدیوی تاریخی می بینیم که در پهلوی تشریفات معموله، رنگ روشنی از احترام و باورمندی بر شخصیت اعلیحضرت شاه افغانستان و ملکه وی، چه از جانب رئیس جمهور جان اف. کندی، خانم اول امریکا ژاکلین کندی، حتی مأمورین عالیرتبه دولتی و پارلمان و البته مردم امریکا به وضاحت آشکار می باشد. بیانیه های دو رئیس دولت هم گرچه تشریفات معموله را در خود مضمّن داشته است، ولی با آن هم نکاتی قابل قدر خطاب به زعیم ملی مردم افغانستان برانندگی نحوه اداره و پیش آمد وی را با ملتش توضیح می نماید. جریان آغاز مسافرت به ایالات متحده امریکا از اخبار چنین بیان گردیده است:

امروز ۵ سپتمبر ۱۹۶۳، هلی کوپتری شاه و ملکه افغانستان، اعلیحضرت محمد ظاهر شاه و ملکه حمیرا را به سطح



پذیرایی شاهانه از شاه و ملکه افغانستان در محفل قصر سفید از جانب رئیس جمهور جان اف. کندی و خواهر وی که مهماندار اعلیحضرت و ملکه حمیرا بود.

زمین «قصر سفید» برای یک مسافرت رسمی به ایالات متحده امریکا پیاده می نماید. جمیعت بزرگی از شدت باران به چتری ها پناه برده اند و لی از دیدار مهمانان منصرف نگردیده اند. به خلاصه ای از نکات مهم هردو بیانیه نظری می اندازیم:

۱- **رئیس جمهور جان اف. کنیدی:** "جلالتمآبان، جای بسیار خوشی است که از جانب خودم و مردم برای اولین بار شما را در ایالات متحده پذیرایی می نمایم. شما رهبری مملکت تان را به اساس تعهد به اصل آزادی به مردم تان برای مدت مدیدی داشته اید. گرچه امریکا با افغانستان را بعد مسافه، تاریخ و عنعنات از هم جدا می نماید، اما در حقیقت ما هر دو برای تأمین حریت سرزمین، آزادی مردم خویش و امیدواری در آینده، وجه مشترکی داریم. ما کوشش می نمایم تا شما را در پلان های تان حتی المقذور همراهی نمایم. اطمینان میدهم که بعد از ختم باران خواهید دید که مردم امریکا قلباً آرزوی پذیرایی و استقبال از شما را داشته اند."

۲ - **اعلیحضرت هم بصورت خلاصه چنین فرمودند:** "جلالتمآب رئیس جمهور، از پذیرایی گرم و کلمات دوستانه شما که نسبت به من و کشور من اظهار داشتید، کمال امتنان دارم. من آرزوی ملاقات با جلالت مآب شما و دیدن این دیموکراسی بزرگ و آشنایی با جنبه های مختلفه دیموکراسی شما را در دل داشته ام. هر چند شرائط جغرافیایی ما را هزاران میل از هم دور ساخته، ولی عشق به آزادی و عقیده به کرامت انسانی این فاصله را از بین برده و را بطه ناگسستگی را بین ملت های ما بوجود آورده که ما را به هم نزدیک می سازد. درین فرصت که در کشور زیبای شما قدم می گذارم، مسرت دارم که بهترین تمنیات قلبی خودم و مردم افغانستان را به شما و ملت نجیب تان ابراز نمایم. یکبار دیگر از پذیرایی گرم شما تشکر میکنم."



درین مسافرت و پذیرایی صمیمانه و عالی مقامات امریکایی و مردم آن، از علیاحضرت ملکه معظمه افغانستان هم قدمندی و استقبال گوناگون صورت گرفت. در عکس فوق ملکه حمیرا را حین نوازش دو کودک امریکایی به استقبال وی پرداخته اند مشاهده می نمایید. دخترک امریکایی از ملکه افغانستان می پرسد که برعکس دیگر ملکه هایی که وی

عکس های شان را مشاهده نموده است، چرا وی تاجی بسر ندارد. علیاحضرت جواب میدهد که: "وی ملکه یک کشور فقیر و مردم آن است و تاجی ندارد که بسر نماید". یک نکته درین معنی گفتیم و همین باشد! امروز در افغانستان از تهداب ویران و آشفته، پول های کمکی و متعلق به پروژه های اقتصادی و اعمار مجدد متعلق به مردم افغانستان، از عرصه ۱۷ سال به این طرف، به شاخی باد گردیده و زندگی های نهایت شاهانه ای را برای یک اقلیت مفسد تدارک دیده است گرچه تاجی در کار نیست ولی هزاران چند قیمت آن برای محدودی میسر می باشد.

جریان مسافرت اعلیحضرت محمد ظاهر شاه را درین سفر تاریخی البته همه علاقمندان این وبسایت ملی مشاهده نموده اند، ولی آنچه را بعد از گذشت ۵۵ سال چه در احوال مملکت ویران و چه در اوضاع ملت نالان مشاهده می نماییم، همانا آغاز سقوط یک مملکت آزاد، غیر وابسته و یک آزادی و صلح و صفای عمومی بود با قیودی بر دست و پای مردم کشور و گیر و گرفت ها و تشدد و استبداد حکومت، بعد از سقوط عصر شاهی تحمیل گردید، خواب راحت برای همیشه از چشم ملت افغان ناپدید شد. کودتای ۲۶ سرطان «سردار محمد داود» با انتخاب همکاری علنی وی با حزب پرچم وابسته به مسکو برای ابتیاع قدرت و جنایاتی به اساس پلان شوروی بر قتل و حبس مأمورین عالیرتبه، مخصوصاً جنرالان اردوی ملی افغانستان به امر رهبر کودتا وارد آمد، قدرتمندی اردو و پلیس را که دهه ها صادقانه برای حفظ ناموس وطن تربیت یافته و باور داشتند، از ریشه خشک نمود و مقدرات افغانستان غیر منسلک و آزاد در چنگ عده ای کودتاجی پایین سویه و وابسته به غیر، راه لغزنده، نامطمئن و خونینی را در تشکیل آینده وطن پیش گرفت. شخصیت های ملی و دانشمند کشور مانند شهید محمد هاشم میوند وال و شهید محمد موسی شفیق، یکی با دسیسه های نا بخردانه در زندان با شکنجه های غیر اخلاقی به قتل رسید و شخصیت نهایت ملی و خیره دیگری سالهایی را بیجهت در کنج زندان ها سپری نمود و بعداً دور از پایتخت در منزلی محبوس گردید.

همان بود آنانی که کودتای مقدماتی اول را برای انحراف سیاست و نجات دولت از سایه منحوس و مخوف اتحاد شوروی وقت به سمت ممالک عربی و جهان غرب، سازمان دهی داده بودند و با بیانیه های میان تهی و وعده های فریبنده غیر عملی با عدم وجود قانونیت که از حالت وعده و وعید هرگز فرا تر نرفت، بل برعکس، عملاً افغانستان را به آشفته حالی و سقوط و مردم مظلوم آنرا به مصائب بیشمار بدون شک تا امروز، مبتلا نمودند، عاملین همه جریانات تاریخی هستند که تا الآن به چشم سر مشاهده می گردد.

حکومات بعدی هر کدام با اشکال گوناگون آن نشیب غیر قابل توقف را شدت بخشیدند و آرمان های ملت شریف با همچشمی های فامیلی و توصل به رویا های قدرت طلبانه یک عنصر خود خواه منززل گردیده بود، با ناکامی از هم پاشید و اساسات نو پای یک حکومت مردم، برای مردم و توسط مردم که به همت اعلیحضرت محمد ظاهر شاه به تدریج شکل می گرفت، به رویایی دست نیافتنی مبدل گردید.

بلی حقیقت تلخ و عریان همان است که شاعر و دانشمند درد کشیده افغان، مرحوم عبد الرحمن پژواک بیان داشته، یعنی آن آسمان صافی که داشتیم و ملت افغان در زیر آن با امنیت و عدم وابستگی به غیر، چهار دهه سلطنت اعلیحضرت محمد ظاهر شاه را در صلح و سلم در هر گوشه ای از سرزمین خود سپری می نمودند و با حفظ کرامت انسانی، مال، جان و ناموس شان از تعرض محفوظ بود، با اخترانی در آسمان صاف و زیبایی آن با مهر درخشان و ماه تابان امید می آفریدند و آرزو خلق می نمودند، دیگر نیست که نیست.

امروز بعد از بالا و پایینی های بی ثبات، افغانستان دو رهبره، دولتی به ظاهر مستقل است و زعمای آن هنوز هم به مسافرت های حسن نیت «!»، با اهداف و منافع سیاسی و اقتصادی، به اینطرف و آنطرف گیتی میروند، ولی با وجود یک لشکر پاچا عبدالرحمن را که گویا به «معیت» آنان بی جهت و بدون ضرورت و البته به منظور فرار از وظیفه و تفریح و تبدیل هوا و مصارف کمر شکن راهی ممالک دوست «؟» میگردند، دیگر نمیشود گفت زعمای افغانستان نماینده یک دولت غیر منسلک و آزاد استند و پشتیبانی از آزادی و حفظ و حمایه کرامت انسانی در درجه اول وظایف خدمت به مردم افغانستان قرار دارد و در آسمان آن مهر و ماهی پرتو صلح و سلم را بی دریغ ارزانی میدارد. هیئات!

پایان

